فصلنامه حقوق اداری (علمی - پژوهشی)
سال هفتم، شماره ۲۰، پائیز ۱۳۹۸

بررسی نظارت- مهار قراردادهای نفتی در پرتو اصول ذاتی نظارت

مسعود خسروی فارسانی؛[۱] فرامرز عطریان[۲] ؛ محمدشریف شاهی[۳]

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۱۲/۲۳
تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۰۴/۱۲

چکیده

بیش از یک قرن است که «قراردادهای نفتی» نقطه‌ای استراتژیک و محل تقاطع منافع کشورهای جهان شده و سرنوشت صلح جهانی، منطقه‌ای یا محلی را رقم می‌زند. گروهی مالکیت این منابع را دارند؛ جمعی سرمایه و دانش فنی اکتشاف و... را و بخش اعظمی از کشورها، مصرف‌کننده نفت می‌باشند. تقاضای سود بیشتر توسط کشورهای صاحب سرمایه و برخی از مصرف‌کنندگان، تقسیم سود عادلانه در قراردادهای نفتی را ناممکن کرده است. متاسفانه به همین دلیل و دلایل متعدد دیگر، نهاد قدرتمندی از نظارت و مهار در حوزه نفت صورت نگرفته است تا فرمانروایان بتوانند با انعقاد قراردادهای یک طرفه و مساعدتر به حال طرف دیگر، دوام خود را تضمین نمایند؛ سؤالی که در این پژوهش پیگیری شد، این بود که نظارت- مهار بر قراردادهای نفتی با توجه به اصول و بایدهای نظارتی، از امتیاز تاIPC چگونه و به چه درجاتی اجرا شده است؟ آیا این نظارت‌ها، مبتنی بر اصول مفهوم نظارت بوده است؟ برای رسیدن به پاسخ، نوع جمع‌آوری اطلاعات «کتابخانه‌ای و جستجوی اینترنتی» بوده و به‌صورت توصیفی- تحلیلی به تجزیه و تحلیل آن پرداخته و نتیجه زیر حاصل شده است: به دلیل چنبره کشورهای دارای «دانش فنی و سرمایه» و «مصرف‌کنندگان» نفت بر روی این سرمایه عظیم کشورهای دارای منابع نفتی، از منظر «هنجاری»،«ساختاری» و «رفتاری»؛ مانع تاسیسی نظارت- مهاری موثر بر قراردادهای نفتی شده‌اند و حاکمان کشورهای دارای منابع برای حفظ تمامیت ارضی و مصون نگه‌داشتن کشور از تبدیل‌شدن به سرنوشت کشورهای مذکور، برخلاف میل باطنی، رفتاری مطابق میل آن دسته کشورها در پیش گرفته‌اند و این رفتار مختص ایران نیست و در تمام کشورهای دارای ذخایر نفت دیده می‌شود.

کلیدواژگان: نظارت، مهار ، قراردادهای نفتی، سرمایه، دانش فنی.

---

۱ . گروه حقوق، واحد نجف آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف آباد، ایران.
khosravy. masoud@gmail. com
۲ . گروه حقوق، واحد نجف آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف آباد، ایران (نویسنده مسئول)
atrian. f. 1001@gmail. com
۳ . گروه حقوق، واحد اصفهان (خوراسگان)، دانشگاه آزاد اسلامی، اصفهان، ایران.
sharif_shahi۲٤۰۰@yahoo. com

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-09-05]

[DOI: 10.29252/qjal.7.20.67]

۱- مقدمه

قابلیت‌های متعدد نفت در ایجاد توسعه صنعتی، اقتصادی و نظامی از یک سو و رفاه و رضایت مردم از سوی دیگر با هیچ محصولی قابل مقایسه نیست. تعارض منافع بین کشورهای دارای منابع نفتی با کشورهای دارای سرمایه و کشورهای مصرف‌کننده، نظارت را امری سخت و پیچیده کرده است. در یک طرف، قراردادهای نفتی کشورهای صاحب فناوری و سرمایه هستندکه انتظار دارند سود بیشتری داشته باشند؛ در کنار اینها، مصرف‌کنندگان ایستاده‌اند که خواهان انرژی ارزان قیمت می‌باشند؛ در طرف مقابل، کشورهای دارای منابع هیدروکربوری قرار دارند که خواهان «حضانت از منابع عظیم نفتی» و کسب درآمد بیشتر جهت توسعه کشورشان هستند.

چیزی که به‌عنوان حلقه وصل این سه می‌تواند به‌عنوان موتور محرک عمل کرده و پیش‌ران توسعه و تضمین‌گر صلح باشد؛ «قراردادهای منصفانه» است. برای ایجاد هم‌سویی بین منافع این بازیگران متعارض، ابتدا باید چارچوب‌های معینی طراحی گردد.چارچوب‌هایی که همانند یک همزیستی مسالمت‌آمیز عمل کرده، ضمن تقلیل تعارض منافع، قرارداد را به قراردادی برد- برد تبدیل کند (فتحی‌زاده، ۱۳۹۷: ۵).

قراردادهای نفتی همان چارچوب‌ها هستند که متاسفانه از زمان کشف نفت در ایران (۱۹۰۷) تاکنون نتوانسته‌اند پیشران توسعه گردند و حتی به درجات و دفعات زیادی موجبات دخالت کشورهای متقاضی و سرمایه‌گذار در امور داخلی شده و نظارت بر قراردادهای نفتی را تاکنون در مسیر پر پیچ و خمی انداخته‌اند. از اولین قرارداد نفتی که بین مظفرالدین‌شاه با ویلیام دارسی در سال ۱۲۸۰ (۱۹۰۱ م) منعقد شد تا قرارداد ۱۳۱۲ (۱۹۳۳) که بین انگلستان و رضاشاه منعقد شد و بسیاری قراردادهای عصر محمدرضاپهلوی که همگی بر ایران تحمیل گردید و پادشاهان مذکور به علل متعدد، چاره‌ای جز پذیرش آن نداشتند؛ به همین دلیل، انعقاد قراردادهای نفتی به اراده پادشاه گره خورده بود.[۱]

---

۱. پرویز مینا در مصاحبه با دنیای اقتصاد: در مورد عقد قراردادهای نفتی در دهه پنجاه و شصت، یعنی دوران اولیه، چون در حوزه فعالیت آقای نفیسی بود؛ ایشان تیمی درست کرده بودند که درآن تیم، بنده و نجم‌آبادی و موحد و مهندس پرن بودیم و با خود ایشان می‌نشستیم و تمام پیشنهادها را بررسی می‌کردیم. تمام مذاکراتی که با طرف دوم قرارداد انجام می‌شد را نیز این تیم با شرکت خود آقای‌نفیسی انجام می‌داد، تا آن مرحله‌ای که با هم به توافق می‌رسیدیم. بعد این توافق را آقای نفیسی برای تصویب به هیات‌مدیره ارائه می‌نمودند. البته باید این را

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-09-05]

[DOI: 10.29252/qjal.7.20.67]

با آن‌که نظارت در قبل از انقلاب به نظر شاه گره خورده بود؛ اما پس از انقلاب، نهادسازی‌های عمومی (دیوان محاسبات و بازرسی کل کشور و...) خوبی صورت گرفته و در نظام تفکیک قوا توانست نظارت و مهار قوای سه‌گانه نسبت به یکدیگر را به‌گونه‌ای طراحی کند که از منفعت عمومی، بیشتر از گذشته حراست شود (از نظر هنجاری و ساختاری)؛ هرچند از نظر «رفتاری»، تاکنون به دلایل گوناگون خروجی موثری دیده نمی‌شود (درویشی،۱۳۹۷: ۹). دفاع مقدس، تحریم‌ها، ناهماهنگی بین دستگاه‌های نظارتی، موازی‌کاری، ضعف ساختاری، ابهام در قوانین و مقررات، تراکم قوانین، نگاه مدیران و ضعف فرهنگ نظارت‌پذیری از جمله این عوامل است.

پژوهش حاضر به دنبال دستور مقام معظم رهبری مبنی بر اصلاح ساختارها ضروری به نظر رسید تا به این سوال پاسخ داده شود که نظارت- مهار بر قراردادهای نفتی از امتیاز تا IPC چگونه انجام شده است؟ آیا این روند نظارتی، مراحل بلوغ و توسعه را طی کرده است؟ که درپاسخ به دلیل حجم زیاد مطالب، روند نظارت تا سال ۱۳۵۳ که در اختیار مجلس شورای ملی و مجلس سنا بوده[1] و ملی شدن نفت، محصول نظارت- مهار مجلس بوده است؛ در همین حد بسنده و سعی شده، مطالب مقاله را به وضعیت موجود نظارت اختصاص دهیم.

۱- ۱. تعریف نظارت و مهار و جایگاه آن

۱- ۱- ۱- نظارت[2] را به معنای کسی که بر کار دیگری نظارت می‌کند تا عمل او به صورت صحیح صورت گیرد نیز معنا کرده‌اند (جعفری لنگرودی،۱۳۸۱: ۲۸۴). نظارت و

عرض کنم که تمام مسائل عمده از قبیل عقد قراردادها با شرکت‌های خارجی، سرمایه‌گذاری‌های عمده در طرح‌های پالایشگاه در داخل و خارج از ایران یا اکتشاف درخارج از ایران یا پالایشگاه صادراتی، همه طبیعتا در هیات‌مدیره تحت رسیدگی کامل قرار می‌گرفت و جنبه‌های اقتصادی و مالی و فنی آن بررسی می‌شد و پس از تصویب در مرحله نهایی باید به عرض شاه می‌رسید و ایشان اگر تصویب می‌فرمودند آن وقت به مرحله اجرا گذاشته می‌شد (دنیای اقتصاد، ۱۳۸۸).

۱. تا زمان تصویب قانون نفت (۱۳۵۳) قراردادهای نفتی در ایران به تصویب مجلس شورای ملی و مجلس سنا می‌رسید.

۲. معادل واژه نظارت در زبان انگلیس: monitoring ,overseeing, insection ,control, stewardship, supervision review و. . . بیان شده است (اخوان کاظمی، ۱۳۹۱ : ۲۹).

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-09-05]

[DOI: 10.29252/qjal.7.20.67]

کنترل فعالیتی است که بایدها را با هست‌ها، مطلوب‌ها را با موجودها، پیش‌بینی‌ها را با عملکردها مقایسه کرده و تصور روشن از اختلاف یا تشابه بین این دو گروه ارائه می‌دهد.

در تعریف مصطلح، نظارت به مجموعه عملیاتی گفته می‌شود که طی آن، میزان تطابق عملکرد اشخاص با قوانین و مقررات سنجیده می‌شود تا از این‌طریق، به مطابقت نتایج عملکرد با هدف‌های مطلوب، اطمینان به‌دست‌آید (اخوان‌کاظمی،۱۳۹۱ :۲۹) به تعبیر دکتر قاضی: «نظارت، بررسی و ممیزی و ارزیابی کارهای انجام شده یا در حین انجام و انطباق آن‌ها با تصمیمات اتخاذ شده و همچنین، قانون و مقررات در جهت جلوگیری از انحراف» است (قاضی،۱۳۸۳ : ۳۵۲). در مفهوم حقوق عمومی، نظارت عبارت است از: بازرسی، سنجش و ارزیابی اقدامات مجریان و ناظر کسی است که به منظور چنین بازرسی و ارزیابی و سنجشی تعیین می‌شود (عمیدزنجانی و همکار،۱۳۸۹: ۱۵)

در همهٔ تعاریف، نظارت را نوعی آگاهی و اطلاع از آن‌چه در حال وقوع است، یا قبلا واقع شده است، دانسته‌اند. به عبارتی، نظارت؛ مقایسهٔ ضمنی بین آن‌چه هست و آن‌چه باید باشد و انجام اموری در راستای رسیدن به هدف مطلوب تعریف کرده‌اند (راسخ، ۱۳۸۸: ۸). این نظارت می‌تواند در موضوعات مختلف یا به شیوه‌های مختلف شامل: پیشینی یا پسینی، استصوابی یا استطلاعی، مستقیم یا غیرمستقیم، نهان یا آشکار و بسیاری انواع دیگر اعمال گردد؛ البته این تقسیم‌بندی‌ها در مقام عمل اهمیت چندانی ندارد؛ چون در عملیات نظارت، همیشه با یک ترافع نوعی مواجه هستیم، یعنی دعوایی برای یک عمل نوعی (قانون) پیش آمده است. این‌که نظارت، پیش یا پس از انتشار قانون، یا استصوابی- استطلاعی باشد؛ تغییری در مساله ایجاد نمی‌کند؛ چون قانون بلافاصله پس از تصویب، موجودیت می‌یابد و انتشار، چیزی بر آن نمی‌افزاید؛ وانگهی، دیوان‌های عالی قانون اساسی آلمان، ایتالیا، اسپانیا، اتریش و پرتغال به اعمال نظارت‌پیشینی می‌پردازند؛ اما هیچگاه گفته نمی‌شود که این دادگاه‌ها تنها در مواردی که به اعمال نظارت پسینی می‌پردازند، عمل قضایی انجام می‌دهند؛ بنابراین، این دادگاه‌ها چه در اعمال نظارت پیشینی و چه در اعمال نظارت پسینی، و چه با ارجاع مقامات دولتی و چه با ارجاع اقلیت پارلمانی، به اعمال نظارت قضایی می‌پردازند. در واقع، اعمال این نظارت قضایی در راستای برآوردن منفعت نظم اساسی (نظم مبتنی بر قانون اساسی) صورت می‌گیرد (لویی‌فاورو، ۱۳۸۵: ۳۷۵).

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-09-05]

[DOI: 10.29252/qjal.7.20.67]

با توجه به شرحی که رفت، سوال این است اگر عملیات ناظر فاقد اثربخشی (مهار) باشد؛ چرا باید صورت بگیرد؟ ضرورت وجود این عمل چیست؟ آیا بدون وجود ضمانت اجرا و قدرت مهار اجرای قوانین؛ مصوبات، آرا و عملیات ممکن است؟ به طور قطع، جواب این پرسش نه است و بدون وجود قدرت مهار، نه تنها نظارت؛ امری بیهوده است؛ که هزینه‌زا و دارای آثار جانبی بسیار خواهد بود. به‌طور قطع، اگر ناظر را یک بیننده صرف بدانیم و قدرت مهار را به او ندهیم؛ مجری را تقویت کرده‌ایم تا بدون توجه به منفعت عمومی، منافع شخصی خود و طرف قرارداد را پیگیری نماید.

قراردادهای نفتی به جهت حجم انبوه سرمایه و تعداد طرفین، از اهمیت بسیاری برخوردار است (حسینی و موسوی‌بایگی،۱۳۹۰: ۱۲۳). آن‌چه لزوم هرچه بیشتر مدیریت و نظارت بر قرارداد نفتی را ایجاب می‌کند، ویژگی منحصر به‌فرد حوزه نفت و گاز و قراردادهای نفتی به‌عنوان هدفی مناسب برای فساد است (حاجی‌آبادی، ۱۳۹۵: ۵۳). به‌عبارت دیگر، بررسی نظام حقوق کشور نشان می‌دهد؛ اصل نظارت برای سالم‌سازی نظام حاکمیت، کمابیش در قانون اساسی و سایر لایه‌های قانونی کشور مدنظر بوده است؛ اما طراحی و تقویت یک نظام جامع و کارآمد نظارتی که اجزای مختلف سیستم سیاسی و اداری را تحت پوشش قرار دهد، هم‌چنان مورد نیاز است؛ زیرا اجرای صحیح وظایف این نهادهای نظارتی، همواره با چالش‌های اساسی در ابعاد قانونی، اجرایی و قضایی مواجه بوده است. ناهماهنگی بین دستگاه‌های نظارتی، موازی‌کاری، ضعف ساختاری، ابهام در قوانین و مقررات، تراکم قوانین، نگاه مدیران و ضعف فرهنگ نظارت‌پذیری از جمله عوامل ضعف نظارت و بروز چالش در حوزهٔ قراردادهای نفتی می‌باشد.

ضرورت نظارت در دو محور اصلی قابل توجه است: نخست؛ ضابطه‌مند کردن هزینه‌ها و حفظ اموال دولتی که از طریق قراردادهای نفتی ممکن است مورد تعرض قرار گیرد و دوم پیش‌بینی نهادها و سازمان‌هایی که نظارت بر فرآیند اموال دولتی را عهده‌دار هستند (حسینی و موسوی‌بایگی، ۱۳۹۰ : ۱۲۳).

۲- ۲- ۱- مهار در لغت به معانی متعدد آمده که معانی زیر بیشتر در این پژوهش مدنظر است: مطیع کردن، منقاد ساختن، رام ساختن، زیر یوغ خود درآوردن، تحت سلطه خود درآوردن، در اختیار گرفتن و در اصطلاح، استفاده از ابزارهای قانونی برای به قاعده در آوردن

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-09-05]

[DOI: 10.29252/qjal.7.20.67]

نهاد مجریست. برای مثال، مجلس با سؤال و استیضاح، سعی در مهار قوه مجریه می‌نماید و اگر موثر واقع نشود؛ می‌تواند با قانون‌گذاری؛ مجریه را مهار کند یا دادگاهها، کار اصلی‌شان مهار است و با صدور دستور موقت و قرار و... و نهایتاً حکم عملیات، مهار را نسبت به ناقضان قانون پیاده می‌کنند. در فرهنگ فارسی عمید؛ مهار، چوب کوچکی دانسته شده است که در پردهٔ بینی شتر جا می‌دهند و ریسمان به آن می‌بندند که در فارسی ماهار هم گفته شده است (عمید، ۱۳۸۷: ۱۱۳۷).

تعیین دستگاه و جایگاه و میزان صلاحیت نهاد ناظر و ویژگی‌های آن، یکی از چالشی-ترین مسائل حاکمیتی در عصر تفکیک قواست که هر دستگاهی با در دست گرفتن اختیار آن می‌تواند قدرت خود را بسط و گسترش دهد و دستگاه‌های دیگر را تحت سیطرهٔ خود در آورد. امروزه کشورهای مختلف در این زمینه، پس از کش و قوس‌های فراوان به یک نهاد نظارت و مهار خارج قوه‌ای رسیده‌اند که اغلب مقننه یا قضائیه است (فتحی‌زاده، ۱۳۹۷: ۶).

۲. اصول و ویژگی‌های نظارت- مهار

۱- ۲- استقلال در نظر و عمل

برای استقلال این نهاد، معیارهایی را برشمرده‌اند. تضمین در یک مصوبه قانونی، استقلال سازمانی، اداری، استقلال مالی و مصونیت. ساختار نهاد ناظر باید به گونه‌ای باشد که بتواند در برابر اعمال نفوذها، استقلال خود را حفظ کند. در برخی از کشورها نظیر گینه نو و آفریقای جنوبی، استقلال این مجموعه تضمین شده و در کشور کاستاریکا، این مجموعه به عنوان شاخه چهارم حکومت ذکر شده است. در برخی کشورها این مساله در قانون اساسی ذکر نشده، اما استقلال آن مورد احترام قرار گرفته است؛ مانند استرالیا، کانادا و بریتانیا. البته این به معنای عدم وجود چالش نیست و در کلیهٔ کشورها همواره اتهاماتی متوجه این نهاد می‌شود (منتی‌نژاد،۱۳۹۱: ۱۲).

۱- ۱- ۲- بی‌طرفی

بی‌طرفی به این معناست که با استناد به دلایل غیرمرتبط،کسی از شمول یک قاعده حقوقی مستثنی نشود یا به دلایل غیرمرتبط، افراد غیرمشمول، موضوع اجرای آن قاعده نگردند (قاری سید فاطمی، ۱۳۸۰: ۲۶۳).

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-09-05]

[DOI: 10.29252/qjal.7.20.67]

برای تضمین بی‌طرفی ناظران، لازم است معیارهای نظارت قاعده‌مند باشند و قواعد حقوقی به صورت عینی و قابل ارزیابی تعیین شوند؛ بنابراین از آنجا که شرطی همچون بی‌طرفی تا حدود زیادی به نگرش، موقعیت، مشرب و منصب سیاسی و یا وضعیت شغلی افراد مورد نظر بستگی دارد؛ از این‌رو برای تحقق این امر، شرایط زیر برای احراز عضویت در نهاد نظارتی، ضروری و منطقی به نظر می‌رسد:

الف- منع وابستگی به احزاب رقیب

ب- منع عضویت در شرکت‌های طرف قرارداد

داشتن هرگونه شغل رسمی و غیررسمی در شرکت‌های طرف قرارداد باید ممنوع باشد؛ در غیر این صورت، اقتدار حاصل ناشی از مشاغل و سمت‌های دیگر بر نظارت و تصمیم‌گیری، در حد انحراف از بی‌طرفی موثر است.

۲- ۱- ۲- حرفه‌ای بودن

حرفه‌ای بودن نهاد نظارتی و افراد ناظر به اندازه استقلال و بی‌طرفی حائز اهمیت است؛ چراکه انجام بهینه این وظیفه، منوط به تخصص و کارآمدی است. مردم مانند هر سازمان خدماتی دیگری به کیفیت خدمات این نهاد و کارکنان آن توجه دارند. قصور در انجام خدمات به دلیل رفتار غیرحرفه‌ای می‌تواند مردم را نسبت به بی‌طرفی و استقلال این نهاد دچار تردید سازد. قوانین نیز باید نگاهی کاملا حرفه‌ای و فنی به مسأله داشته باشد.

۳- ۱- ۲- پاسخگویی

جدال میان منفعت شخصی حاکمان و منفعت عمومی مردم پایان‌پذیر نیست. بدیهی است که در قدرت‌های شخصی، مسأله پاسخگویی به فرمانبران، یا وجود ندارد یا بسیار کمرنگ است؛ اما در قدرت‌های نهادی، پاسخگویی دارای موقعیت برجسته‌ای است. هر نهادی که اختیار و قدرت تصمیم‌گیری دارد، لزوماً باید پاسخگو هم باشد؛ در غیر این‌صورت، رشد پیدا کرده و در جهت تحدید منفعت عمومی گام برخواهد داشت و اینجاست که حاکمیت قانون و سایر اصول دموکراسی در معرض خطر قرار می‌گیرند؛ از این‌رو، متولیان نظارت باید در قبال تصمیماتی که می‌گیرند پاسخگو باشند. از بطن پاسخگویی، قابل اعتراض بودن تصمیمات ناظران متولد می‌گردد؛ به عبارت دیگر،

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-09-05]

[DOI: 10.29252/qjal.7.20.67]

تصمیمات دستگاه ناظر باید قابل شکایت و تجدیدنظر باشد؛ البته پاسخگویی نهاد ناظر لزوماً پاسخگویی به حکومت نیست؛ بلکه پاسخگویی به مردم نیز می‌باشد؛ بنابراین در نظامی که نهاد ناظر به دادگاه پاسخگوست و دادگاه پیگیر منفعت عمومی است، پاسخگویی به بهترین وجه تحقق یافته است (فتحی‌زاده، ۱۳۹۷ : ۱۴).

۲- ۲- نهادهای نظارتی تعریف شده در انواع قراردادهای نفتی

۱- ۲- ۲- نگرش هدفمند در انعقاد قراردادهای نفتی

شرکت‌های نفتی، بنگاه‌های اقتصادی‌اند که منطقاً در چارچوب ضوابط بنگاه‌داری، هدفی جز تأمین منافع سهامداران خود ندارند. شرکت‌های ملی نفت به نمایندگی از دولتها منطقاً می‌بایست تأمین منافع نسل فعلی و نسل‌های آینده از منابع نفتی را مدنظر قرار دهند؛ از این‌رو منطق بنگاه‌داری ایجاب می‌کند که شرکت‌های نفتی، فارغ از«نوع قرارداد» و «رژیم حقوقی حاکم بر آن»، نخست حداقل بازده قابل قبول برای سرمایه‌گذاری‌های خود را محاسبه کنند، سپس قراردادی را بپذیرند که عایدی آن، در مقایسه با قراردادهای دیگری که در سایر کشورها منعقد کرده‌اند، رقابتی و قابل قبول باشد؛ البته شرکت‌های بزرگ نفتی معمولاً رویکرد پویایی به قراردادهای نفتی دارند؛ بنابراین منافع بین زمانی را نیز مدنظر قرار می‌دهند؛ بدین‌ترتیب که حاضرند سودهای بالنسبه کمتری را برای برخی قراردادها درکشور مورد نظر بپذیرند؛ بدین امید که با تثبیت حضور خود در آن کشور بتوانند با تجدیدنظر در آن قراردادها و یا انعقاد قراردادهای جدید در آینده به سودهای هنگفتی دست یابند. به عنوان مثال، هنگامی که جمهوری اسلامی ایران، بعد از حدود یک دهه از پیروزی انقلاب اسلامی، مجوزهای قانونی برای حضور شرکت‌های بزرگ نفتی بین‌المللی را در چارچوب نظام پیمانکاری و قراردادهای بیع‌متقابل صادر نمود؛ بسیاری از این شرکت‌ها اساساً تمایل چندانی به این نوع از قراردادها نداشتند؛ اما حضور در میادین نفتی ایران، امتیاز ویژه‌ای برای آن‌ها محسوب و سهام آنها را تقویت می‌نمود؛ ضمن آن‌که شرایط بین‌المللی و آثار سوء تحریم‌های اقتصادی می‌توانست نویدبخش روزهای خوبی در آینده برای آن‌ها باشد (درخشان، ۱۳۹۲: ۵۵).

درخصوص وضعیت حقوقی قراردادهای بین‌المللی نفت و اصولاً قراردادهای سرمایه‌گذاری خارجی، اجماعی وجود ندارد. برخی حقوق‌دانان، بویژه حقوق‌دانان غربی

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-09-05]

[DOI: 10.29252/qjal.7.20.67]

معتقدند این قراردادها تابع وضعیت حقوقی قراردادهای بین‌المللی هستند؛ بنابراین، تحت حاکمیت اصول حقوق بین‌الملل، مانند اصل الزام‌آور بودن تعهدات هستند. به نظر این گروه، قراردادهای سرمایه‌گذاری خارجی و از جمله قراردادهای نفت و گاز تحت حاکمیت یک سیستم حقوقی خارج از نظام حقوق ملی مانند حقوق فراملی کسب و کار، اصول عمومی حقوق، حقوق عرفی تجار و یا حتی حقوق بین‌الملل عمومی هستند؛ ازاین‌رو، دولت درخصوص تغییر مفاد آن قراردادها و خانه‌دادن به آن‌ها چندان مبسوط‌الید نیست.

گروه دیگری از نویسندگان حقوقی که به طور عمده، منعکس‌کنندهٔ نظرهای کشورهای تولیدکننده نفت هستند، معتقدند که این قراردادها تابع نظام حقوقی کشور میزبان است و دعاوی در مورد آن باید با توجه به اصول حقوقی حاکم بر این‌گونه قراردادها در کشور میزبان حل و فصل شود. به بیان دیگر، از لحاظ مالکیت عمومی، دولت نسبت به منابع زیرزمینی و حق انحصاری‌اش در انعقاد این قراردادها و تاثیر شگرف آن در نظام اقتصادی کشور میزبان، این قراردادها باید با توجه به نفع عمومی اتباع کشور میزبان، تجزیه و تحلیل شوند و اختیار دولت در ایجاد تغییراتی در این قرارداد ها باید محترم شمرده شود؛ به نظر این نویسندگان، قانون حاکم بر قرارداد، ارتباط تنگاتنگی با حاکمیت دارد و دولت به جهت نمایندگی عموم مردم، حق قانون‌گذاری در امور جاری را دارد؛ از این‌رو برای صرف‌نظر کردن از قانون ملی دولت میزبان، باید صلاحیت فراملی وجود داشته باشد که بتواند صلاحیت دولت را در امر قانون‌گذاری پشت‌سرگذارد و روشن است که چنین مقام و مرجعی در قراردادهای دولت با اشخاص خصوصی وجود ندارد. این اندیشه باعث ظهور و بروز یک نهاد حقوقی به نام قراردادهای دولتی شده است (محقق داماد و امانی، ۱۳۸۷: ۱۴۴). تبدیل دو فرآیند متعارض فوق‌الذکر به شرایط برد- برد، مستلزم اجتماع مواردی به شرح زیر است: تقویت دانش فنی مناسب برای مدیریت بهینهٔ مخازن بزرگ نفتی کشور، بویژه الگوهای تولید صیانتی در خلال عمر مخازن، تقویت دانش مدیریتی لازم برای اجرای طرحهای بزرگ سرمایه‌بر نفتی، تقویت دانش مالی درخصوص بازارهای مالی در جهان برای تأمین سرمایه، تقویت دانش اقتصادی درخصوص تحولات آینده بازار جهانی نفت، بویژه روند قیمت نفت و سوخت‌های جایگزین، تقویت دانش حقوقی درخصوص ویژگی‌ها و ساختار قراردادهای نفتی در سایر کشورها، تقویت دانش فنی درخصوص روند تحولات آیندهٔ انرژی‌های تجدیدپذیر و

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-09-05]

[DOI: 10.29252/qjal.7.20.67]

سوختهای فسیلیِ غیرمتعارف، تقویت دانش سیاسی و مدیریتی درخصوص ساختار و عملکرد شرکتهای بزرگ نفتی و جایگاه این شرکتها در سیاستهای منطقه‌ای و جهانی و سرانجام، تقویت مهارتهای لازم در فنون مذاکرات برای انعقاد قراردادهای نفتی. علاوه براین، نباید فراموش کرد که قراردادهای نفتی که شرکت ملی نفت ایران پیشنهاد می‌کند یا آن را می‌پذیرد؛ علی‌القاعده باید چارچوب حقوقی مناسبی برای تحقق سیاستهای بهینه بهره‌برداری از مخازن نفتی کشور باشد؛ ازاین‌رو، بدون ملاحظه این سیاست‌ها که مهم‌ترین آن تحقق اصل «حداکثر بازیافت کارا»[1] (MER) از مخازن به منظور حداکثرسازی ارزش اقتصادی ذخایر نفتی در خلال عمر مخازن و نه در خلال عمر قرارداد می‌باشد، نمی‌توان راجع به ویژگی‌های بهینهٔ قراردادهای نفتی اظهارنظر کرد (درخشان،۱۳۹۲: ۵۷).

۲- ۲- ۲- انواع قراردادهای نفتی

مطالعهٔ قراردادهای نفتی، نشان‌دهنده آن است که با توجه به‌میزان و نحوهٔ مداخلهٔ شرکت سرمایه‌گذار نفتی دولت و یا شرکت دولتی میزبان در قراردادهای اکتشاف، توسعه و استخراج نفت با تنوع و تحول شگرفی مواجه هستیم. تحولی که شروع آن از انتقال مالکیت عین در «قراردادهای امتیازی» (Concession Agreement) آغاز و در ادامه به انتقال مالکیت منفعت در قراردادهای موسوم به «قراردادهای اجازهٔ بهره‌برداری» (License Agreement) منجر و در سیر تحولی خود و تحت‌تأثیر جنبش‌های ملی به قراردادهای تداینی به عنوان «قراردادهای خدماتی» (Service Agreement) نزدیک می‌گردد. در ادامهٔ این روند تکاملی، مفهوم مشارکت، جایگزین رابطهٔ معاوضی و مغابنه‌ای می‌شود و راهکار قراردادی برخاسته از مشارکت در تولید (Production Sharing Agreement) به‌عنوان مبنای بسیاری از قراردادهای نفتی در کشورهای در حال توسعه شکل می‌گیرد (ایرانپور، ۱۳۸۶: ۲۵).

۱. Maximum Efficient Recovery

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-09-05]

[DOI: 10.29252/qjal.7.20.67]

در زیر مفصل به هر یک پرداخته می‌شود:

۱- ۲- ۲- ۲- قراردادهای امتیازی

قدیمی‌ترین نوع قراردادها، امتیازی‌اند. در این نوع از قراردادها، واگذاری مخزن و یـا میـدانی مشخص از سوی دولتِ میزبان به شرکت بیگانه برای سرمایه‌گـذاری در عملیـات، اکتشـاف، توسعه، بهره‌برداری و بازاریابی فرآوری نفت و گاز از سوی آن و پرداخت بر بنیان حق‌الارض یا بهره مالکانه افزون بر درصدی از درآمد خالص به عنوان مالیات به دولت میزبان می‌باشد.

با توجه به اعتراضاتی که از سوی دولت‌های میزبان بـه ناعـدالتی و عـدم رعایـت تولیـد صیانتی از سوی شرکت‌ها و صاحبان میزبان در این دسته از قراردادها شد؛ کم‌کم شکل ایـن نـوع از قراردادهـا تغییـر کـرد و عمـلاً سـاختارها و نظـام‌هـای نـوین امتیـازی وارد فضـای قراردادهای بین‌المللی نفت و گاز گردید.

۲- ۲- ۲- ۲- قراردادهای نوین امتیاز از دیدگاه بخش‌بنـدی سـود میـان طـرفین از چنان نرمش‌پذیری برخوردار است که در صورت افزایش بهای نفت، سازوکارهایی در راستای افزایش منافع میزبان پیش‌بینی شده است.کشور میزبان اکنون می‌تواند از طریق شرکت ملی نفت در قراردادهای امتیاز مشارکت کند. این روش که کاربستی فراوان در خاورمیانـه داشـته است؛ آن‌چنان به پیش می‌تازد که کشور عربستان در ۱۹۸۱، صد در صد عملیات دریافـت و پرداخت شرکت آرامکو را در اختیار گرفت.

با توجه به این‌که امروزه عملاً نظام‌های امتیازی جای خود را بـه نظـام‌هـای قـراردادی داده‌اند و این نظام‌ها در قالب‌های گوناگون عمل می‌کنند؛ در ادامه به معرفی برخی از قالب-های نظام‌های قراردادی (نوروزی، ۱۳۹۱: ۱۶) با توجه به نـوع رابطـۀ حقـوق و قـراردادی از جهت «معاوضی بودن» و یا «مشارکتی بودن» اشاره می‌شود (ایرانپور، ۱۳۸۶: ۲۶).

۳- ۲- ۲- ۲- قراردادهای مشارکتی: محصول ارادۀ مشـترک شـرکت سـرمایه‌گـذار خارجی و دولت میزبان بوده و شرایط قراردادی، نحوۀ تملک نفت و گاز و زمـان مالکیـت بـر نفت و گاز نیز از موضوعاتی است که طـرفین در قالـب قـرارداد تـدقیق و تنظـیم مـی‌کننـد (همان:۳۳). این نوع قراردادها به دو دسته تقسیم می‌شوند که عبارتند از:

دسته اول: موافقت‌نامه‌های مشارکت در تولید. این نمونه از پیمـان‌نامـه‌هـا از دهـه ۱۹۶۰ رایج گردید و مورد استقبال برخی از کشورهای نفتی قرار گرفت. در این قراردادها، نفت و گاز

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-09-05]

[DOI: 10.29252/qjal.7.20.67]

تولید شده میان دولت و شرکت سرمایه‌گذار تقسیم شده، حقوق مالکانه متعلق به دولت است؛ ولی به واسطهٔ مشارکت دولت میزبان از طریق شرکت ملی نفت در زمینهٔ مدیریت عملیات با شرکت سرمایه‌گذار در پیوند است. این نوع قراردادها، شرکت خارجی را متعهد به پرداخت مالیات و در برخی موارد، بهرهٔ مالکانه، آموزش نیروی انسانی و مشارکت دولت میزبان می‌نماید.

دسته دوم: قراردادهای مشارکت در سرمایه‌گذاری: در این قراردادها، کشور میزبان و شرکت عامل در سود و خطرپذیری توافق‌نامه‌های نفتی سهیم هستند. میزان مشارکت در عقد موافقت‌نامه‌های امتیاز متفاوت است؛ در نتیجه، دولت همانند شریک در تولیدی که بر اساس قرارداد انجام می‌شود، سهیم است.

سهم هزینه دولت به شیوه‌ای مستقیم و یا اختصاص بخشی از سهم تولید خواهد بود که به شرکت نفتی پرداخت می‌شود. در این قراردادها، دولت میزبان افزون بر مالیات، درصدی از سود واقعی را نیز به خود اختصاص می‌دهد.

٤- ٢- ٢- ٢- قراردادهای خدماتی: این نمونه قراردادها از دیرینه‌ترین اشکال روابط قراردادی بین افراد از یک سو و جوامع از سویی دیگر به شمار می‌آیند. این نوع قراردادها در دو دسته قرار می‌گیرند:

١- ٤- ٢- ٢- ٢- قراردادهای صرفاً خدماتی: این دسته از قراردادها در فعالیت‌های اکتشافی کاربرد ندارد و تنها در تلاش‌های تولید مورد بهره‌برداری قرار می‌گیرند. پاداش این قراردادها نقدی است و بهای مقطوع و مشخصی دارد. با این همه، گاه به منظور افزون نمودن انگیزه سرمایه‌گذار بیگانه در ارائه خدمات بهتر، امتیازاتی مانند خرید قسمتی از تولید اعطا می‌شود. نوع ساده آن، به صورت حق‌الزحمه مقطع برای ارائه خدمات مشخص است و بابت دریافت کمک‌های فنی به کشور میزبان هیچ سهمی از نفت خام تولیدی پیش‌بینی نشده است.

٢- ٤- ٢- ٢- ٢- قراردادهای ریسکی خدمت: این نوع قراردادها، عموما در کشف میادین نفت و گاز کاربرد دارند. اصولا ماهیت این نوع قراردادها به گونه‌ای است که مسائلی چون مالیات و بهره مالکانه کمتر مورد توجه طرفین قرار می‌گیرد. در صورتی که کشفی

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-09-05]

[DOI: 10.29252/qjal.7.20.67]

صورت نپذیرد، قرارداد به خودی خود منتفی است؛ ولی در صورت کشف نفت یا گاز، شرکت ملزم است که آن را به مرحله تولید برساند.

به هر حال، کل تولید در اختیار کشور میزبان قرار خواهد گرفت و شرکت عامل طبق شرایط قرارداد یا از مبلغی مقطوع به عنوان بازپرداخت سرمایه به همراه نرخ بهره و خطرپذیری برخوردار خواهد شد و یا بر اساس درآمد حاصل از میزان نفت تولید شده پس از کسر مالیات سهم خواهد برد.

۳- ٤- ۲- ۲- قراردادهای بیع متقابل: در قراردادهای خدماتی بیع متقابل، شرکت سرمایه‌گذار بیگانه، تمامی وجوه سرمایه‌گذار مانند نصب تجهیزات، راه‌اندازی و انتقال تکنولوژی را برعهده می‌گیرد و پس از راه‌اندازی پروژه، آن را به کشور میزبان واگذار می‌کند. بازگشت سرمایه و نیز سود سرمایه شرکت، از طریق دریافت محصولات تولیدی انجام می‌گیرد (نوروزی، ۱۳۹۱: ۷). این نوع قرارداد در بند ح تبصرهٔ ۲۹ قانون برنامهٔ اول توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی مصوب ۱۳۶۸/۱۱/۱۱ برای نخستین‌بار به‌کار رفت (درخشان، ۱۳۹۲: ۷۸).

۳- ۲- نظارت در انواع نظریه های قراردادی

تحلیل نظارت بر قراردادهای نفتی هر یک بسته به محتوای مفهومی خود و مبانی مورد نظر از یک منظر به موضوع پرداخته است و با توجه به نحوهٔ تبعیت از قوانین حاکم بر آن به نظریه‌های بی‌قانون، تبعیت از حقوق بین‌الملل و بازرگانی تقسیم می‌شود.

٤- ۲- نظریهٔ قراردادهای بی‌قانون

در این نظریه، قرارداد را تابع قانون خودش می‌دانند و آن را صاحب نظام مستقلی تصور می‌کنند که می‌تواند در طی آن، هر نوع شرطی قید شود.

۵- ۲- نظریهٔ تابعیت قرارداد از حقوق بین‌الملل

طرفداران این نظریه از این نظر که باید قراردادهای توسعهٔ بین‌المللی را از اختیار قانون‌های ملی دربیاورد با نظریه قراردادهای بی‌قانون، هم‌عقیده‌اند؛ ولی بیان می‌دارند که این‌گونه نیست که بی‌قانونی مطلق وجود داشته باشد؛ هر چند که هیچ قانونی نمی‌تواند تمامی ارکان

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-09-05]

[DOI: 10.29252/qjal.7.20.67]

و شرایط قراردادهای بین‌المللی را نشان دهد؛ از این‌رو بر این باورند که بایـد قراردادهـایی را در چارچوب قراردادهای بین‌المللی تعریف کرد که اعتماد طرفین (بویژه شرکت سرمایه‌گـذار) بیشتر باشد.

٦- ٢- قرارداد فراملی

در این نوع از قراردادها با یک نگاه بینابینی (حقوق ملی- حقوق بین‌الملـل)، درصـدد ایجـاد جایگاهی جدید در حقوق هستند و آن را در شرایط و موارد خاصی بیان می‌دارند کـه عمومـاً در داوری‌ها مورد استناد قرار می‌گیرند.

٧- ٢- قانون بازرگانی

برخی نیز بر این اعتقادند که باید از قانون بازرگـانی تبعیـت کـرد کـه یـک دسـته از آداب و مواردی است که بین تاجران و پیشه‌وران فارغ از ملیت و نژاد مورد استناد قرار می‌گیرد.

٣. اصول عمومی حقوق

برخی نیز بیان می دارند که باید از اصولی که در عرف انسانی مورد اسناد است، استفاده کـرد و بر اساس قواعد عمومی به اعلام رأی پرداخت. این قواعد را می‌توان در قالب مواردی نظیر اصل همزیستی، مسالمت، اصل منع تهدید و ... نشان داد. البته برخی نیز اصـول عمـومی را همان قطعنامه‌ها و معاهداتی می‌دانند که از سـوی سـازمان ملـل در اجـلاس‌هـا و ... بیـان می‌شود. هرچند که در دیدگاه برخی حقوقدانان، ایـن اصـول تنهـا بـرای پرکـردن خلأهـای موجود در قانون‌هاست.

در مقام نقد باید بیان داشت؛ اساسی‌ترین مشکل این نظر چنین است که قابـل اسـتفاده نیست و عملا در عرف حقوقی در دادگاه‌ها مورد استناد قرار نمی‌گیرند؛ ضمن اینکه در عمل، بسیاری از موارد دعوا و جزئیات در این اصول نیست و اگر قرار باشد بر اساس این مـوارد بـه اعلام رأی پرداخته شود، در عمل تنها اعلام صلح از طرف داور امکـان‌پـذیر اسـت؛ بنـابراین چنین قوانینی را که در واقع تعدادی اصل هستند، بـه‌تنهـایی راهگشـا و کارگشـا نمـی‌داننـد (محقق‌داماد، ١٣٨٧: ١٦٢).

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-09-05]

[DOI: 10.29252/qjal.7.20.67]

۱-۳- ویژگی‌های نظارت - مهار از قانون ۱۳۵۳ تا قانون وظایف و اختیارات وزارت نفت مصوب ۱۳۹۱

قانون نفت مصوب ۱۵ امرداد ۱۳۵۳ شورای ملی و مجلس سنا در باب نظارت بر مسائل و قراردادهای نفتی قید می‌دارد: «شرکت ملی نفت ایران مسئول انجام وظایف و اعمال حقوق و اختیارات مصرح در این قانون و نظارت بر اجرای آن می‌باشد. شرکت مزبور در انجام این‌مسئولیت به ترتیب مقرر در اساسنامه قانونی خود عمل خواهد کرد». در ماده ۳ این قانون تصریح می‌شود: «قراردادهای شرکت ملی نفت در عملیات اکتشاف و توسعه نفت، بعد از تأیید هیأت‌وزیران به موقع اجرا گذارده خواهد شد»؛ اما در بند ۱۰ مادهٔ ۱ قانون وظایف و اختیارات وزارت نفت، موضوع نظارت به جزء و تفکیک در مراحل مختلف عملیات نفتی مورد شناسایی قرار گرفته است (قانون وظایف و اختیارات وزارت نفت، ۱۳۹۱).

از سویی در سال ۱۳۹۵، هیأت وزیران در جلسه ۱۳۹۵/۰۵/۱۳ به پیشنهاد وزارت نفت و به استناد اصل یکصد و سی و هشتم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، تصویب‌نامه «درخصوص نحوهٔ نظارت بر انعقاد و اجرای قراردادهای نفتی» به دلیل گستردگی فعالیت‌های نفتی و تخلفات عدیده در این خصوص و در نظر داشتن قانون رفع موانع تولید رقابت‌پذیر و ارتقای نظام مالی کشور را به تصویب مجلس شورای اسلامی رساند (تصویب‌نامه نحوه نظارت بر انعقاد و اجرای قراردادهای نفتی، ۱۳۹۵).

به موجب ماده ۲ قانون نفت، اصلاحی بیست و دوم خردادماه ۱۳۹۰، وزارت نفت به نمایندگی از طرف حکومت اسلامی عهده‌دار هم اعمال «حق حاکمیت» و هم اعمال «حق مالکیت عمومی» بر منابع نفتی به عنوان انفال و ثروت‌های عمومی می‌باشد. اعمال «حق حاکمیت» و «حق مالکیت عمومی» «به موجب بند (۱۷) ماده ۱ قانون نفت، اصلاحی بیست و دوم خردادماه ۱۳۹۰ به عنوان «امور حاکمیتی صنعت نفت» دانسته شده‌اند. به موجب مادهٔ ۳ قانون نفت اصلاحی بیست و دوم خردادماه ۱۳۹۰، نظارت بر اعمال «حق حاکمیت» و «مالکیت عمومی» بر منابع نفتی به عهدهٔ «هیأت عالی نظارت بر منابع نفتی» است (فرحناکیان، ۱۳۹۵ :۱۲).

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-09-05]

[DOI: 10.29252/qjal.7.20.67]

۱- ۱- ۳- ویژگی‌های نظارت - مهار رهبری

بحث کردن در مورد وجود ویژگی‌های برشمرده شده در ناظر مانند «استقلال در نظر و عمل»، «بی‌طرفی»، «حرفه‌ای بودن» و «پاسخگویی» در مقام رهبری امری به غایت دشوار است؛ چون نفت یک کالای استراتژیک است و صلح و امنیت در کشور به این کالا گره خورده است و رهبری با جمیع معذوراتی که دارد ؛ مسئولیت صلح و امنیت پایدار کشور را نیز به‌عهده دارد. ایشان نمی‌توانند برای دفاع از نفت و درآمدهای آن، کشور را در معرض خطر بزرگتری مثل تجزیه، فروپاشی، شورش و... قرار دهند؛ چرا که تراست‌های بزرگ نفتی غربی به‌سادگی به رهبران کشورهای قدرتمند فشار وارد می‌کنند تا به بهانه‌های مختلف، نظم کشورهای صاحب منابع را مختل یا حتی حمله نظامی نمایند (یزدانی، ۱۳۸۷: ۱۲۳و حایک،۱۳۸۴: ۳۹).

۲- ۱- ۳- ویژگی های نظارت- مهار در مقننه

ملی شدن نفت محصول نظارت- مهار مجلس است؛ چون تا زمان تصویب قانون نفت (۱۳۵۳)، قراردادهای نفتی در ایران به تصویب مجلس شورای ملی و مجلس سنا می‌رسید. در قانون نفت ۱۳۵۳، سرمایه‌گذاری و مشارکت در فعالیت‌های بالادستی ممنوع شد و تنها قراردادهای پیمانکاری، آن هم به نیابت از طرف شرکت ملی نفت ایران مجاز شد. به همین دلیل، دیگر ضرورتی نداشت که یک قرارداد پیمانکاری به تصویب قانون‌گذار برسد و تنها تأیید هیأت وزیران ضروری شد؛ بدین‌روی مقرر شد که قراردادهای مزبور پس از تأیید هیات وزیران اجرا گردد.

با تصویب قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، اصل۷۷ مقرر نمود که عهدنامه‌ها، مقاوله‌نامه‌ها، قراردادها و موافقتنامه‌های بین‌المللی باید به تصویب مجلس شورای اسلامی برسد؛ از آن‌جا که تصویب تک تک قراردادهای بین‌المللی توسط مجلس شورای اسلامی غیرضروری و عملاً غیرممکن است، شورای نگهبان به صراحت اظهارنظر کرد که: قراردادهایی که یک طرف آن وزارتخانه یا مؤسسه یا شرکت دولتی و طرف دیگر آن، شرکت خصوصی خارجی باشد؛ عهدنامهٔ بین‌المللی محسوب نمی‌شود و مشمول اصل ۷۷ قانون اساسی نیست.

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-09-05]

[DOI: 10.29252/qjal.7.20.67]

در تبصرهٔ ماده واحده قانون اجازه به شرکت ملی نفت ایران جهت اجرای طرح‌های اکتشاف، توسعه و بهره‌برداری از میادین نفت و گاز دریای خزر مقرر شد که در صورت انعقاد قرارداد با دولت‌های خارجی باید قرارداد حسب مورد به تصویب مجلس شورای اسلامی برسد. از این ماده استنباط می‌شود که در قراردادهایی که با دولت‌های خارجی نیست؛ حتی اگر طرف قرارداد، شرکت دولتی خارجی باشد، نیازی به تصویب مجلس شورای اسلامی نیست (شیروی، عبدالحسین ۱۳۹۳ : ۳۲۳).

مجلس در راستای سامان دادن به قراردادهای نفتی در سال ۱۳۹۰، اقدام به اصلاح قانون نفت نمود. مطابق قانون فوق‌الذکر، ۳ ماده به موضوع نظارت مجلس شورای اسلامی بر قراردادهای نفتی اختصاص یافت: « نظارت بر اعمال حق حاکمیت و مالکیت عمومی بر منابع نفتی به عهده هیأت‌عالی نظارت بر منابع نفتی است که ۸ نفر می باشند؛ دو نفر از مجلس، یک نفر قضائیه و ۵ نفر مجریه» (ماده ۳) به موجب تبصره۳ این قانون، تصمیمات این هیأت با رأی اکثریت مطلق حاضران، قطعی است».

همان‌طور که ملاحظه می‌گردد، در هیأت فوق دو نفر از مجلس شورای اسلامی (رئیس کمیسیون برنامه و بودجه و رئیس کمیسیون انرژی) حضور دارند و اکثریت قریب به اتفاق شورای فوق را اعضای قوه مجریه تشکیل می‌دهند که با توجه به این‌که ابتکار عمل انعقاد قراردادهای نفتی نیز در دست این قوه است؛ نظارت مجلس را به محاق می‌برد. دوم، اگر این دو نفر طبق زد و بندهایی با مدیران مجریه (همان‌گونه که در این چند سال اتفاق افتاده است) به منفعت عمومی وفادار نبوده و آن‌را یک فرصت شخصی دانسته و منفعت شخصی را بر منفعت عمومی ترجیح دهند؛ نتیجه مضرتر از بی‌نظارتی می‌شود.

از طرف دیگر در بند ۴ ماده چهارم همین قانون در بیان وظایف هیات فوق آمده است: «تهیهٔ گزارش سالانه و ارائه به مقام رهبری و مجلس شورای اسلامی».

این‌که گزارش ارسالی به رهبری و مجلس چه کارکردی دارد، جای سؤال جدیست؛ چون این گزارش طبق اطلاعات کسانی تهیه می‌شود و با این مصوبه جای تردید نمی‌ماند که منعقدکنندگان قراردادهای نفتی و مجریان آن‌را تهیه می‌کنند که فاقد ارزش نظارتی است. زمانی می‌توان از یک گزارش بی‌طرف، حرفه‌ای و شفاف حرف زد که از طرف مقامات و نیروهای غیرمجریه‌ای تهیه شده باشد.

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-09-05]

[DOI: 10.29252/qjal.7.20.67]

ماده ۱۵ همین قانون دارای جنبهٔ صرفاً اطلاعی است، چرا کـه بیـان مـی‌دارد: « وزارت نفت و شرکت‌های تابعه، یک نسخه از قراردادهای منعقده مربوط به صادرات گـاز طبیعـی و گاز طبیعی مایع شده و قراردادهای اکتشاف و توسعه در میادین نفتی کـه متضـمن تعهـدات بیش از پنج سال است را به صورت محرمانه به رئیس مجلس شورای اسلامی تسـلیم مـی-نماید».

ظواهر امر و ماده فوق حاکی از نظارت اطلاعی رئیس مجلس دارد و شأن رئیس مجلس را در حد مجلس بالا برده که خلاف قانون اساسی است.

حق رأی اعتماد نمایندگان مجلس: یکی از اسناد تاریخی مبنی بر نظارت- مهار مجلـس در حوزهٔ نفت در جریان رأی اعتماد به وزرای پیشنهادی احمدی نژاد در سال ۱۳۸۴ است که نمایندگان به ۳ فرد ابتدایی معرفی شده رأی ندادند.

تحقیق و تفحص‌های نظارتی: تحقیق و تفحص‌هایی که در مجلس کلید خـورده اسـت؛ نمایانگر تلاش نمایندگان جهت نظارت است؛ هرچند به نتیجهٔ نهـایی نرسـیده‌انـد. بـه طـور مثال، یکی از این موارد مربوط به خرید نفت از بعضی شرکت‌های اروپایی در شمال کشـور و مسائل مربوط به سوآپ بوده است. براساس اطلاعاتی که در اختیار کمیسیون انرژی مجلس قرار گرفته است؛ روزانه ۱۱ هزار بشکه نفت از شمال کشور خریداری و ادعا مـی‌کردنـد کـه این نفت در خارک تحویل شرکت‌ها شده است؛ اما اشکالاتی دربارهٔ ایـن ادعـا وجـود دارد و نفتی که در خارک تحویل داده می‌شد، در واقع فـروش نفـت ایـران بـود و بازاریـابی آن در شرایط تحریم برعهدهٔ ایران بود؛ در حالی که در سوآپ نباید این‌گونه باشـد و توقـف توسـعهٔ میادین مشترک و تکمیل شدن فازهای پارس جنوبی است» (خبرگزاری فارس، ۱۳۹۲). این تحقیق و تفحص در سال ۱۳۹۲ در کمیسیون انرژی تصویب اما به صحن علنی نرسید.

یا در اقدامی دیگر، برخی نماینـدگان در سـال۱۳۸۵، تحقیـق و تفحـص مـوارد زیـر را درخواست نمودند که آن نیز به ثمر نرسید: «بررسی عملکرد مالی شـرکت ملـی نفـت و سـه شرکت تابعه (گاز، پتروشیمی، پالایش و پخش)، رابطـهٔ مـالی دولـت و شـرکت ملـی نفـت، ارزیابی قراردادهای منعقده در حوزهٔ نفت، گاز و پتروشیمی و بررسی موارد مربـوط بـه اعـلام مناقصه‌ها و مشارکت با طرف‌های داخلی و خارجی، عملکرد مدیران و موضوعات مربوط بـه

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-09-05]

[DOI: 10.29252/qjal.7.20.67]

صادرات و واردات از مهم‌ترین مواردی است که در طرح تحقیق و تفحص از وزارت نفت انجام شده است» (روزنامه سرمایه، ۸۵/۴/۲۶).

۳- ۱- ۳- ویژگی های نظارت- مهار در قضائیه

ویژگی‌های استقلال، بی‌طرفی، پاسخگویی و شفافیت قوه قضائیه در مواجهه با دعاوی قراردادهای نفتی، ضعیف ارزیابی می‌شود؛ چون اطلاعات پرونده‌هایی که ناشی از مفاسد این حوزه است؛ یا دیده نمی‌شود یا به ندرت دیده می‌شود و متأسفانه می‌توان گفت ویژگی‌های ناظر در این نهاد اصلی که وظیفه‌اش نظارت- مهار است دیده نمی‌شود.

٤- ۱- ۳- ویژگی‌های نظارت- مهار در مجریه

به‌موجب ماده ۲ قانون نفت مصوب سال ۱۳۶۶، «منابع نفت کشور جزء انفال و ثروت‌های عمومی است و طبق اصل ۴۵ قانون اساسی در اختیار حکومت اسلامی می‌باشد.. اعمال حق حاکمیت و مالکیت نسبت به منافع و تأسیسات نفتی متعلق به حکومت اسلامی است که براساس مقررات و اختیارات مصرح این قانون به‌عهدهٔ وزات نفت می‌باشد...». ساز وکار انعقاد قراردادهای نفتی با شرکت‌های خارجی را ماده ۵ تعیین کرده است: «انعقاد قراردادهای مهم فی‌مابین وزارت نفت یا واحدهای عملیات نفتی با اشخاص حقیقی و حقوقی داخلی و خارجی و تشخیص موارد مهم، تابع آیین‌نامه‌ای خواهد بود که با پیشنهاد وزارت نفت به تصویب هیأت‌وزیران خواهد رسید» (درخشان، ۱۳۹۲: ۷۸). از سویی، هیأت عالی نظارت بر منابع نفتی با تصویب نمایندگان مجلس و با ترکیبی متشکل از وزیر نفت، معاون رئیس‌جمهوری و رئیس سازمان برنامه و بودجه، وزیر امور اقتصادی و دارایی، رئیس کل بانک مرکزی، دادستان کل کشور، رئیس کمیسیون انرژی مجلس شورای اسلامی، رئیس کمیسیون برنامه و بودجه و محاسبات مجلس شورای اسلامی، مدیرعامل شرکت ملی نفت ایران و یکی از معاونان وزیر نفت به انتخاب وزیر نفت شکل گرفته است. هدف از تشکیل این هیأت، نظارت بر اجرای سیاست‌های کلی نظام در حوزه نفت و گاز، نظارت بر فرآیند صیانت از منابع نفت و گاز و نظارت بر قراردادهای مهم نفت و گاز و ارائه گزارش‌های لازم به مقام معظم رهبری و مجلس شورای اسلامی است. نحوه تشکیل و مدیریت جلسات نیز بر اساس مصوبه ۲۱ مهرماه ۱۳۹۲ هیأت وزیران مشخص شده است. این هیأت طبق قانون هر ۶ ماه یکبار تشکیل جلسه داده و در موارد فوق‌العاده نیز امکان برگزاری جلسه را دارد (خبرگزاری

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-09-05]

[DOI: 10.29252/qjal.7.20.67]

مهر، ۱۳۹۶). در خصوص مبحث نظارت، هیأت وزیران طی مصوبه‌ای تحت عنوان« تصویب‌نامه در خصوص نحوه نظارت بر انعقاد و اجرای قراردادهای نفتی» در سال ۱۳۹۵، اهداف نظارتی خود را تکمیل‌تر نمود (سازمان برنامه و بودجه، ۱۳۹۵).

۵- ۱- ۳. ویژگی‌های نظارت- مهار در نسل جدید نظارت- مهار

۱۹مرداد ماه سال ۱۳۹۵ و درست نزدیک روزهایی که سرنوشت صنعت نفت ایران دستخوش تغییرات زیادی شد، «شرایط عمومی قراردادهای بالادستی نفت و گاز ایران» برای دومین بار در روزنامه رسمی جمهوری اسلامی ایران به چاپ رسید. این اتفاق در راستای اثبات استقلال، بی‌طرفی، پاسخگویی و شفافیت مورد ادعای دولت و مجلس وقت بود؛ وضعیتی که مدعی بودند تاکنون سابقه نداشته است. چاپ «شرایط عمومی، ساختار و الگوی قراردادهای بالادستی نفت و گاز» به این معنا بود که امکان عقد این قراردادها اکنون فراهم شده و دولت حاضر به رعایت ویژگی‌های «بی‌طرفی»، «حرفه‌ای بودن» و «پاسخگویی» و «شفافیت» است؛ البته این شرایط پیش از این در ۱۸ آبان ماه سال ۱۳۹۴ نیز در روزنامه رسمی جمهوری اسلامی ایران به چاپ رسیده بود؛ اما تفاوت این دو را باید در انتشار «تصویب‌نامه نحوهٔ نظارت بر انعقاد و اجرای قراردادهای نفتی» همزمان با شرایط عمومی، در روزنامه رسمی دانست. طبق بررسی‌ها بر اساس این تصویب‌نامه؛ تعداد نفراتی که به انواع و حدود مختلفی بر نحوه انعقاد و اجرای IPC نظارت و نقش‌آفرینی خواهند داشت افزایش یافته بود.

وزیر نفت، شورای اقتصاد، رئیس مجلس و هیأت عالی نظارت بر منابع نفتی، طبق ابلاغیه معاون اول رئیس‌جمهوری، ۴ شخص و نهادی هستند که بر نحوهٔ انعقاد قراردادهای نفتی جدید نظارت خواهند داشت. ورود هیأت عالی نظارت به نحوهٔ انعقاد IPC یکی از خواسته‌های برخی گروه‌های منتقد قراردادهای جدید نفتی در ایران بود. برای مثال، سازمان بسیج حقوق‌دانان ایران در پایان تیر ماه سال ۹۵ در نامه‌ای خواستار ورود نهادهای قانونی نظارتی مانند شورای عالی اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ و هیأت عالی نظارت بر منابع نفتی به این قراردادها شد. در نهایت و با تصویب‌نامه معاون اول رئیس‌جمهوری، این خواسته محقق شده و هیات عالی نظارت بر منابع نفتی، این حق را یافته است که ۱۰ روز پس از

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-09-05]

[DOI: 10.29252/qjal.7.20.67]

تاریخ نفوذ هر قرارداد به متن، حجم مالی، تعهدات، مقدار محصول و زمان اجرای هر قرارداد دسترسی داشته و بر قراردادهای نفتی نظارت کند.

هیات وزیران در تاریخ ۱۳ مردادماه ۱۳۹۵ با استناد اصل ۳۸ قانون اساسی، نحوه نظارت بر انعقاد قراردادهای نفتی را به شرح زیر به تصویب رساند: ۱- کلیات قراردادهای نفتی شامل: قیمت، مدت و اعمال شرایط عمومی باید به تایید وزیر نفت برسد. ۲- در اجرای ماده ۱۲ قانون رفع موانع تولید رقابت‌پذیر و ارتقای نظام مالی کشور مصوب سال ۹۴، وزارت نفت مکلف است توجیه فنی و اقتصادی و زیست‌محیطی، زمان‌بندی اجرا، بازپرداخت و سقف تعهد دولت در هر یک از طرح‌ها و پژوهش‌ها را به تایید شورای اقتصاد برساند. ۳- در اجرای ماده ۱۵ قانون اصلاح نفت مصوب سال ۱۳۹۰، وزارت نفت مکلف است یک نسخه از قراردادهای منعقده موضوع مصوبه یادشده را ظرف ۱۰روز پس از تاریخ نفوذ هر قرارداد، به صورت طبقه‌بندی شده برای رئیس مجلس شورای اسلامی ارسال کند. ۴- وزارت نفت مکلف است ظرف ۱۰روز پس از تاریخ نفوذ هر قرارداد در مصوبه مذکور، گزارش آن را جهت بررسی و ارزیابی به هیأت‌عالی نظارت بر منابع نفتی (موضوع مواد ۳ و ۷ قانون اصلاح نفت) ارسال کند. این گزارش باید شامل: متن، حجم مالی، تعهدات، مقدار محصول و زمان اجرای هر قرارداد باشد. ۵- برای تدوین راهبردها و سیاست‌ها، ارزشیابی و نظارت بر اجرای مدیریت مخازن برای تولید صیانتی با رویکرد انتقال و توسعه فناوری، ساختار و تشکیلات موجود در وزارت نفت با پیشنهاد آن وزارتخانه و تایید سازمان‌های اداری و استخدامی کشور و برنامه و بودجه کشور تقویت، ارتقا و توسعه یافته و بر اجرای قراردادهای موضوع این تصویب‌نامه و انتقال و توسعهٔ فناوری به شرکت یا شرکت‌های ایرانی اکتشاف و تولید و نیز پیمانکاران عمومی، سازندگان تجهیزات و آموزش نیروی انسانی ایرانی مطابق شیوه‌نامه ابلاغی وزیر نفت نظارت کند.

این تصویب‌نامه در ظاهر خواهان درگیر شدن گروه‌های نظارتی حتی در زمان اجرای قراردادهای نفتی است؛ در حالی‌که زمان انتشار شرایط عمومی قراردادهای بالادستی نفت و گاز در سال ۱۳۹۴ نیامده بود و نمایانگر عدم تمایل وزارت نفت، به وجود ناظر بود (فریدزاد و غفاری، ۱۳۹۶: ۱۰۲- ۱۰۱).

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-09-05]

[DOI: 10.29252/qjal.7.20.67]

نتیجه‌گیری

نفت، پیشران توسعه اقتصادی کشور بوده و مسائل و عوامل متعدد و متنوعی در نتیجه‌بخش بودن قراردادهای آن نقش دارند که «نظارت و مهار» از مهم‌ترین مسائل این حوزه محسوب می‌شود. نگاهی به تحولات قراردادهای نفتی در ۱۱۵ سال اخیر یعنی از قرارداد دارسی تاکنون نشان می‌دهد که وضعیت نفت در کشورمان به‌شدت تحت تاثیر مسائل سیاسی بوده و از منفعت عمومی کمتر مراقبت شده است. قانون‌گذاران، تا حدود ۴۰ سال بعد از تصویب قانون نفت ۱۳۵۲، نهادی برای نظارت بر اعمال حق حاکمیت و مالکیت بر منابع نفتی تعیین نکرده بودند؛ تا آن‌که به موجب ماده ۳ قانون ۱۳۹۰، «نظارت بر اعمال حق حاکمیت و مالکیت عمومی بر منابع نفتی» را به‌عهدهٔ «هیأت عالی نظارت بر منابع نفتی» قرار دادند؛ اما در این‌خصوص می‌توان بیان داشت: با وصف تصریح به صلاحیت هیأت‌عالی نظارت بر منابع نفتی به بررسی و ارزیابی «امکان اجرای قراردادهای مهم نفت و گاز»؛ و با وصف بلاموضوع شدن انجام این امکان‌سنجی پس از تاریخ نفوذ این قراردادها؛ بند (۴) تصویب‌نامه درخصوص نحوهٔ نظارت بر انعقاد و اجرای قراردادهای نفتی مصوب سیزدهم مردادماه ۱۳۹۵ به جهت عقب راندن زمان اعمال صلاحیت هیأت عالی نظارت بر منابع نفتی به ده روز پس از تاریخ نفوذ هر قرارداد، در مغایرت با بند (۳) ماده ۷ قانون نفت اصلاحی بیست و دوم خردادماه ۱۳۹۰ و قابل بررسی در هیأت بررسی و تطبیق مصوبات دولت با قوانین مجلس شورای اسلامی و هیأت عمومی دیوان عدالت اداری است. این مدل نظارتی که در ظاهر فراقوه‌ای است، براساس بند ۳ ماده ۷ قانون نفت (اصلاحی ۲۲خرداد۱۳۹۰)، «بررسی و ارزیابی متن، حجم مالی، تعهدات، مقدار محصول و زمان اجرای قراردادهای مهم نفت و گاز در جهت صیانت از عواید حاصل از انفال عمومی در حوزه نفت و گاز و امکان اجرای قرارداد» را در صلاحیت این هیأت قرار داده است. این سبک از نظارت، نقاط ضعف و قوت خاص خود را دارد که اگر نقاط ضعف آن برطرف و نقاط قوت آن تقویت گردد؛ نسبت به مدل نظارتی عمومی (دیوان محاسبات و بازرسی کل کشور) بیشتر می‌تواند کارامد باشد. از جمله نقاط ضعف می‌توان موارد زیر را برشمرد :

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-09-05]

[DOI: 10.29252/qjal.7.20.67]

۱- این مدل شورایی است و در مدل‌های شورایی، نظارت دقیق و دیوانی جای خود را به توافق، تفاهم، لابی و رانت برای چند نفر از مقامات می‌دهد. در این سبک در واقع نهاد سیاست بر حقوق پیروز و چانه‌زنی جای قانون‌گرایی را گرفته است.

۲- کمبود شدید وقت افراد این هیات (وزیر نفت به‌عنوان دبیر هیأت، معاون برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی رئیس‌جمهوری، وزیر امور اقتصاد و دارایی، رئیس کل بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، رئیس کمیسیون انرژی مجلس شورای اسلامی، رئیس کمیسیون برنامه و بودجه و محاسبات مجلس شورای اسلامی، دادستان کل کشور، مدیرعامل شرکت ملی نفت ایران و یکی از معاونان وزارت نفت به انتخاب وزیر نفت) که محال است این افراد فرصت رسیدگی به این امور را داشته باشند.

۳- خروجی این شورا همان چیزی است که وزیر نفت می‌خواهد. شاهد این مدعا عملکرد ۴ ساله و بخصوص قرارداد توتال که نمایان شد؛ برخی اعضای غیرنفتی این شورا نمایندگانی برای نظارت بر قرارداد معرفی کرده بودند که همگی نفتی و منصوبان وزیر نفت بودند؛ یعنی عملاً تمام امر نظارتی این شورا به امضاکنندگان و مجریان قرارداد محول شده بود.

پیشنهادها

نیاز به ایجاد ساختاری برای اعمال وظایف حاکمیتی- مالکیتی در نفت ضروری است. پیشنهاد می‌گردد یک سازمان حرفه‌ای با «انگیزه‌های طراحی شده» تاسیس گردد. این سازمان باید از نظر تخصص‌های نفتی، حقوق عمومی، مالی و... توانمندی کافی داشته باشد. در این رابطه، مدل نظارتی کشور نروژ توصیه می‌شود. اداره نفت نروژ، نهادی کاملا تخصصی است که ذیل وزارت نفت تشکیل؛ اما رئیس آن در جلسه هیأت دولت، توسط پادشاه تعیین می‌شود و وابستگی سیاسی به دولت‌ها ندارد. این نهاد علاوه بر نظارت، مسئولیت سیاست‌گذاری را هم بر عهده دارد (در ایران چون سیاست‌گذاری از اختیارات رهبری و مجمع تشخیص است؛ توصیه می‌شود این تشکیلات زیرمجموعه این نهاد قرار گیرد).

در این سازمان علاوه بر تخصص، باید ساختار «انگیزه‌ها» برای نظارت درست، یافتن و گزارش خطاها و تمایل به تغییر روندهای غلط به‌درستی طراحی شود. قطعا یک نهاد نظارتی

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-09-05]

[DOI: 10.29252/qjal.7.20.67]

و حاکمیتی قوی و تخصصی، بسیار کارآمدتر از چندین لایه نهاد نظارتی صوری خواهد بود؛ بنابراین به جهت گره خوردن نفت با سرنوشت صلح جهانی و توسعه کشورها، نیاز به ایجاد «ساختار تخصصی کارامدی» برای حراست از وظایف حاکمیتی و مالکیتی در قراردادهای نفتی ضروری به نظر می‌رسد.

پیشنهاد موضوع

بررسی و پیشنهاد یک سازمان حرفه‌ای با انگیزه‌های طراحی شده و تخصص‌های لازم جهت نظارت- مهار موثر بر انواع قراردادهای نفتی به تفکیک مناسب است.

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-09-05]

[DOI: 10.29252/qjal.7.20.67]

منابع

الف- کتاب‌ها

۱. امانی، مسعود (۱۳۹۳)؛ حقوق قراردادهای بین المللی نفت، چاپ دوم، تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق (ع).

۲. راسخ، محمد (۱۳۸۸)؛ نظارت و تعادل در نظام حقوق اساسی، تهران: نشر دراک.

۳. شهریاری، محمد (۱۳۸۸)؛ گزارش ماموریت چین، نمایشگاه بین‌المللی تجهیزات و تکنولوژی نفت و پتروشیمی، چین

۴. شیروی، عبدالحسین (۱۳۹۲)؛ داوری تجاری، داوری تجاری بین‌المللی، تهران: سمت، ۱۳۹۲.

۵. شیروی، عبدالحسین (۱۳۹۵)؛ حقوق نفت و گاز، چاپ سوم، تهران: میزان .

۶. شیریجیان، محمد (۱۳۹۳)؛ «مقایسه ساختار تصمیم‌گیری برای بخش‌های بالادستی در کشورهای منتخب»، موسسه مطالعات انرژی سبحان، تهران.

۷. فتحی‌زاده مهدی (۱۳۹۷)؛ جزوه حقوق اداری ۲، بخش قراردادهای نفتی، دانشگاه آزاد اسلامی.

۸. عمید، حسن (۱۳۸۷)؛ فرهنگ فارسی عمید، تهران: مؤسسه انتشارات امیرکبیر.

۹. قانون وظایف و اختیارات وزارت نفت، مصوب ۱۳۹۱.

۱۰. تصویب‌نامه در خصوص نحوه نظارت بر انعقاد و اجرای قراردادهای نفتی، مصوب ۱۳۹۵.

ب- مقالات

۱. آقایی‌حاجی‌آبادی، محمد (۱۳۹۵)؛ «مدیریت و نظارت بر شکل‌گیری قراردادهای بین‌المللی بالادستی نفت و گاز (رویکرد سیستمی)»، فصلنامه مطالعات علوم اجتماعی، شماره ۱ (پیاپی:۸): صص ۶۴-۵۳.

۲. ابراهیمی، سیدنصرالله، امیر اسلامیه همدان و سیده‌رویا موسوی (۱۳۹۳)؛ «اصول عمده حاکم بر قراردادهای بالادستی نظام جمهوری اسلامی ایران در صنایع نفت و گاز»، ماهنامه اکتشاف و تولید نفت و گاز، شماره ۱۲۰.

۳. ایرانپور، فرهاد (۱۳۸۶)؛ «تحول قراردادهای نفتی از قراردادهای معاوضی به سوی قراردادهای مشارکتی»، فصلنامه حقوق، شماره ۲: صص ۲۵- ۳۸.

۴. خبرگزاری مهر (۱۳۹۶)؛« نهادهای ذی‌صلاح بر اجرای قراردادهای نفتی نظارت دارند». تاریخ ۱ مرداد ۱۳۹۶: تاریخ دسترسی ۹۸/۰۳/۰۲. https://www.mehrnews.com

۵. درخشان، مسعود (۱۳۹۲)؛ «ویژگی‌های مطلوب قراردادهای نفتی: رویکرد اقتصادی- تاریخی به عملکرد قراردادهای نفتی در ایران"»، فصلنامه اقتصاد انرژی ایران، سال سوم، ش ۹.

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-09-05]

[DOI: 10.29252/qjal.7.20.67]

۶. درخشان، مسعود (۱۳۸۱)؛ «منافع ملی و سیاست‌های بهره‌برداری از منابع نفت و گاز»، نشریه مجلس و پژوهش، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، ش ۳۴.
۷. درویشی، اعظم (۱۳۹۷)؛ «واکاوی رهیافت نظارت- مهار حاکم بر توزیع قدرت در ایران و امریکا»، پژوهش‌های نوین علوم انسانی، جلد ۲، سال دوم، ش ۵.
۸. رضائیان‌مهر، مصطفی (۱۳۹۵)؛ «مدیریت درآمدهای نفتی در کشور نروژ»، ماهنامه اکتشاف و تولید نفت و گاز، ش ۱۲۲.
۹. سازمان برنامه و بودجه (۱۳۹۵)؛ «تصویب‌نامه در خصوص نحوه نظارت بر انعقاد و اجرای قراردادهای نفتی»، شماره ۸۸۸.
۱۰. محقق داماد، سیدمصطفی و مسعود امانی (۱۳۸۷)؛«ماهیت قراردادهای بین‌المللی نفت»، مجله پژوهشهای اسلامی، شماره ۳: صص ۱۷۹- ۱۴۳.
۱۱. منتی‌نژاد، صادق (۱۳۹۷)؛ «بررسی جایگاه قانونی و نقش و اهمیت دستگاههای نظارتی قوای سه‌گانه در جمهوری اسلامی ایران»، حقوق آنلاین.
۱۲. نوروزی، محمد (۱۳۹۱)؛ «آشنایی با قراردادهای نفتی»، مطالعات سیاستی نفت و گاز، تاریخ ۱۳۹۱/۰۷/۰۱. تاریخ دسترسی: ۱۳۹۸/۰۲/۳۱. ساعت ۲۰/۱۲. http://icmstudy.ir
۱۳. فریدزاد، علی و علیرضا غفاری (۱۳۹۶)؛ «ملاحظات اقتصادی و حقوقی در ساخت داخلی تجهیزات صنایع بالادستی نفت کشور با تأکید بر انتقال فناوری در قراردادهای جدید بالادستی نفتی و گازی ایران»، فصلنامه پژوهشنامه بازرگانی. شماره ۸۶: ۱۲۳- ۸۹.

ج- سایتها

۱. پایگاه اطلاعات قوانین و مقررات کشور، .http://www.dastour.ir/brows 18 تاریخ بازدید: ۹۷/۸/۲۳
۲. خبرگزاری خانه ملت، به آدرس http://www.icana.ir/Fa/News/159643/ تاریخ بازدید: ۹۷/۷/۲۸
۳. وب‌سایت رسمی دفتر هیأت دولت، http://cabinetoffice.ir/fa/news/671 تاریخ بازدید: ۹۷/۸/۸
۴. مرکز پژوهش‌های مجلس، http://rc.majlis.ir/fa/law/show/982404 تاریخ بازدید: ۹۷/۷/۱۹
۵. خبرگزاری فارس، https://www.farsnews.com تاریخ بازدید: ۱۳۹۸/۰۴/۲۶

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-09-05]

[DOI: 10.29252/qjal.7.20.67]

د- منابع انگلیسی

١. Gao, Zhigho. (1994). International Petroleum Contracts , Graham and Tortman LTD.

٢. Ghandi, Abbas ; Lin, C.- Y. Cynthia (2011), " Do Iran's Buy-Back Service Contracts Lead to Optimal Production? The Case of Soroosh and Nowrooz", University of California at Davis.

٣. Groenendaal, Willem J.H. van ; Mazraati, Mohammad (2006)," A critical review of Iran's buyback contracts", Energy Policy ٣٤.

[Downloaded from qjal.smtc.ac.ir on 2026-09-05]

[DOI: 10.29252/qjal.7.20.67]